



نگاهی به کتاب

## «بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی»

محمد رضا ستوده‌نیا، بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی جدید، چاپ اول، تهران: نشر رایزن، ۱۳۷۸ ش.

حسین علینقیان

مقدمه

کتاب حاضر که حاصل بررسی‌های تطبیقی میان مسائل علم تجوید و آواشناسی جدید توسط یکی از صاحب نظران در فن علم تجوید و از داوران معتبر جهانی در مسابقات قرآنی بوده، قبلاً از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جزء برترین پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد شناخته و اعلام شده است.

تحقیقی که بتوان آن را تا حدودی مشابه کتاب حاضر - حداقل به زبان فارسی - قلمداد کرد یکی کتاب (درآمدی بر آواشناسی زبان عربی و تجوید قرآن) و دیگری کتاب (پژوهشی پیرامون تاریخ علم تجوید) است که اولی قبل و دومی بعد از کتاب مورد بررسی به چاپ رسیده است. این تشابه صرفاً به جهت جنبه تطبیقی مسائل تجوید با آواشناسی جدید است. چنانچه به لیست کتاب‌های تجوید نگاهی بیندازیم، انبوهی از آنها را به ویژه در یکی دو دهه قبل با همان سبک و سیاق و اصطلاحات تجوید کهن و سیبویه می‌توان مشاهده کرد که کتاب شناسی نسبتاً جامعی از آن در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی (مدخل تجوید) موجود است.

## مباحث عمده کتاب

مؤلف ارجمند کتاب قبلاً در این زمینه آثار گرانسنگی - که بیشتر رنگ آموزشی داشته - به نگارش درآورده، در این بین کتاب (بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی) که پایان نامه ارشد و آخرین اثر مطلوب مؤلف بوده در مقایسه با تألیفات دیگر ایشان از ویژگی های علمی دوچندان برخوردار بوده و در تألیفات فارسی در نوع خود، اثر کم نظیری محسوب می شود.

کتاب در قالب هفت فصل، به همراه پیوست ها و در پایان کتابنامه نگارش یافته. فصل اول با گشایش مدخلی اجمالی بر علم تجوید و آواشناسی و پیشینه های هر یک آغاز و آثار مهم و برجای مانده در هر یک از این دو علم ارائه گردیده است. فصل دوم شامل تشریح اندام های صوتی و تنفسی انسان؛ مباحثی پیرامون پدیده جهر (/واکداری)، همس (/بی واکی)، و شوشه، انسداد و ... می باشد. تقسیم بندی اصوات در میان زبان شناسان عرب، اصوات ساکن و حرکات، مباحثی در صائت های (/مصوت های) زبان عربی و صائت مرکب از عمده مطالب فصل سوم کتاب هستند. فصل چهارم کتاب مطالبی چون توصیف اصوات از دیدگاه متقدمان؛ توصیف جایگاه تولید اصوات عربی (مخارج حروف) و توصیف کیفیت اصوات عربی (=صفات حروف) از دیدگاه تجویدیان را دربر دارد. در فصل ششم کتاب به بررسی تطبیقی توصیف اصوات /آواهای عربی پرداخته شده و فصل هفتم نیز شامل نتیجه گیری و تلخیص فصول کتاب به همراه ارائه چند پیشنهاد در مورد بایسته های تحقیق در این زمینه می شود.

## نقاط قوت کتاب

- ۱۰۳ ۱. این کتاب از میان تألیفات و مقالات نگارش یافته به زبان فارسی از این حیث که برخوردار از جنبه های تطبیقی میان مسائل دو میراث بزرگ آواشناسی و تجوید قدیم با آواشناسی نوین عربی است، اثر کم نظیری به حساب می آید. ناگفته نماند در پیشینه این گونه تحقیقات در ایران، به تعدادی - البته انگشت شمار - برمی خوریم که در مقایسه با این کتاب، قابل توجه و بررسی نیستند. نیز همه آنها در قالب پایان نامه های دانشگاهی به نگارش درآمده،<sup>۱</sup> و به دست چاپ سپرده نشده است. گویا فقط کتاب (درآمدی بر آواشناسی زبان عربی و تجوید قرآن) اثر آقای بهمن زندی از میان آن پایان نامه ها چاپ شده است. شاید کتاب آقای زندی را - که البته از منابع آواشناسی جدید بسیار کم بهره برده - بتوان اولین تألیف رسمی، و

کتاب آقای ستوده نیا را دومین تألیف به زبان فارسی در این زمینه قلمداد کرد.

۲. بهره‌مندی مؤلف از منابع دست اول آواشناسی قدیم و تألیفات تجویدی و برخی منابع مربوط به عصور میانه این علم و آثار ارزشمند آواشناسان جدید عربی، موجب گردیده که کتاب به اثری علمی و مستند و قابل استناد و مرجع برای محققان و علاقه‌مندان به این گونه پژوهش‌ها تبدیل شود.

۳. در مقدمه فشرده و موجز کتاب، مدخلی بر سیر تحقیقات و نگارش‌های جدید و آواشناسی گشوده شده که در عین ایجاز، برخوردار از محتوای علمی و هموارکننده و راهگشای بسیاری از مسائل علم تجوید و آواشناسی است.

۴. فصل ششم کتاب که موضوع اصلی بر آن استوار است و به بررسی تحقیقی و مقایسه‌ای آرا و نظریات علمای تجوید و آواشناسی پرداخته و هر یک از اصوات و حروف عربی را چه از لحاظ جایگاه تولید و مخرج و چه از نظر کیفیت استماع و صفات آنها مورد بررسی قرار داده، گرچه پاره‌ای مطالب آن از تحلیل و تطبیق بایسته نویسنده خالی مانده اما سرفصل نوینی برای طرح این گونه بررسی‌ها گشوده و قطعاً برای دانش‌پژوهانی که درصدد پی‌گیری و تحقیق در این زمینه‌اند، دست‌مایه و الگوی مناسبی خواهد بود.

۵. روش مناسب در طرح مطالب، دسته‌بندی مناسب و سیر منطقی و تناسب شکل و ایجازی مطالب، از عناصری است که بر حسن این تألیف افزوده است.

### ملاحظات محتوایی

۱. نویسنده محترم در بیان هدف (یا تعریف) علم تجوید آورده:

تلاش علم تجوید بر آن است که آوای زبان عربی را به گونه‌ای توصیف کند تا منطبق بر معیار تلاوت فصیح قرآن باشد. معیار تلاوت فصیح همان تلاوت قاریان ممتاز، ائمه قرائت و فصحای عرب است که در زمان تدوین علم تجوید، متصدی آموزش و تعلیم قرائت قرآن کریم بوده‌اند.<sup>۲</sup>

باید گفت اولاً: تعریف مذکور در منابع علم تجوید و آواشناسی سنتی نیامده و یا حداقل از تألیفات و توصیفات که تجویدیان و آواشناسان اولیه در این علم به دست داده‌اند این تعریف استخراج نمی‌شود. ثانیاً: علم تجوید به مانند دیگر علوم زبانی (مثل صرف و نحو و...) درست مصادف با نزول نخستین آیات قرآن کریم و به منظور جلوگیری از هر گونه تحریف و تصحیف

در آیات شریفه آن به وجود آمده و همان گونه که قرآن کریم به عنوان یک عامل برون زبانی باعث رشد و بالندگی و تولید آرای زبان توسط زبان شناسان اولیه اسلامی - که سلسله جنبان آنها را باید سیبویه، خلیل بن احمد، ابوالاسود دوئلی، حضرت علی (ع) و... بدانیم - گردید، در پی آن تجوید به عنوان شاخه ای از معارف و علوم زبانی با هدف تلاوت صحیح قرآن کریم به وجود آمده، به مانند دیگر علوم زبانی در خدمت کلام الهی درآمد. یعنی همان گونه که ما علم صرف و نحو قرآنی نداریم، چیزی به اسم تجوید قرآنی یا آواشناسی قرآنی نیز نداریم. بل اینها علمی هستند که داخل و مندرج در زبان اند. گاهی یکی از آنها مثل صرف و نحو زودتر از دیگر علوم زبانی استخراج و تدوین می شود و یا یکی مثل تجوید (آواشناسی)، با کمی تأخیر و با حدود دو قرن فاصله از دیگر علوم زبانی استنباط، استخراج و مدون می شود. تلاش طلابیه داران علم تجوید همچون خلیل و سیبویه، توصیف مخارج و صفات حروف، و آوای عربی مبتنی بر گویش فصیح و نضج یافته زبان عربی و فصحای آن بوده است.

آواهایی که در تکلم رایج و فصیح فصیحان آن دوران متداول بوده و آواشناسان اولیه آنها را توصیف می کردند، گرچه به هدف صحیح خواندن قرآن کریم از جهت آوایی توصیف شده اند اما اختصاص به واژگان و دستگاه زبانی قرآن کریم ندارند. به عبارتی باید گفت علم تجوید همان صورت اولیه و آغازین علم آواشناسی عربی است که در مراحل آغازین خود آوای زبان عربی را که در گویش های مختلف عربی - و به ویژه گویش فصیح آن زمان - رایج بوده توصیف می کرده است. و خاستگاه این تلاش ها و تحقیقات، نزول قرآن کریم و خوف در ایجاد تحریف و تصحیف در آن بوده است. این علم از مراحل اولیه خود تا قرن های بعدی بیشتر در خدمت حوزه واژگان قرآن کریم بوده است. بدین جهت از همان آغاز، عنوان «تجوید قرآن کریم» خود گرفت. اما سایر علوم زبانی مانند علم تجوید، به قرآن کریم متصف نگردید و مثلاً عناوینی چون صرف قرآن، نحو قرآن، فقه اللغه و... در زبان عربی متداول نشد.

لذا باید گفت یکی از اصول تلاوت صحیح قرآن کریم، رعایت اصول آوایی زبان فصیح عربی است و علم تجوید تلاش می کند تا اصول آوایی زبان فصیح عربی را از دستگاه زبانی فصحای عرب استنباط کرده و در خدمت قرآن کریم در آورد. بنابراین تعبیر نویسنده محترم کتاب بر این که علم تجوید، آوای زبان عربی را به گونه ای توصیف کند که بر معیار تلاوت فصیح قرآن باشد، با تعریف علمی علم تجوید سازگار نخواهد بود. چه، این تلاوت قاریان و ائمه قرائت و فصحای عرب است که باید با اصول آوایی زبان فصیح عربی منطبق باشد.

## ۲. مؤلف در صفحه چهار آورده:

دانش تجوید به توصیف آوای زبان عربی که در تلاوت قرآن به کار می‌روند می‌پردازد؛ اما آواشناسی زبان عربی به توصیف آوای عربی به طور مطلق می‌پردازد... دانش تجوید- در حقیقت - آواشناسی آوایی است که در تلاوت قرآن به کار می‌رود.

و در ادامه می‌افزاید:

در این کتاب به بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای بین علم تجوید و علم آواشناسی در حوزه تلاوت قرآن کریم خواهیم پرداخت.

پیداست که این طرز تلقی ناشی از همان فهم نادرست مؤلف از علم تجوید و آواشناسی است. اگر منظور ایشان از آوای به کار رفته در تلاوت قرآن همین حروف و واژگان قرآنی باشد. باید گفت این حروف و واژگان جدای از حروف و دستگاه زبانی زبان عربی فصیح و نضج یافته<sup>۳</sup> آن روزگار نبوده است تا به طور جداگانه مورد بررسی آوایی قرار گیرند. مؤید مطلب این که توصیفات آواشناسان اولیه همچون سیبویه متوجه بررسی مخارج و صفات حروف و آوایی بوده که به طور کلی در تکلم فصحای عرب آن زمان رایج بوده است.<sup>۴</sup> و در نتیجه تعبیر آوای به کار رفته در تلاوت قرآن در این مقوله بی‌معنا خواهد بود. مگر این که حروف و آوای به کار رفته در قرآن کریم را خارج از حروف و آوای زبان عربی فصیح قلمداد کنیم تا در این صورت به طور جداگانه مورد بررسی آوایی قرار گیرند!!

۳. از آنچه مؤلف کتاب در فصول مختلف آن- و به ویژه در فصل ششم- به عنوان منابع علم تجوید و در مقام مقایسه و تطبیق با آواشناسی بدان رجوع کرده می‌توان دریافت که ایشان تألیفات و آثار آواشناسی چون سیبویه، ابن جنی و ابن سینا را جزء میراث تجویدیان و علم تجوید برشمرده‌اند. از آنجا که توصیفات این قبیل زبان‌شناسان به طور کلی متوجه آواشناسی زبان عربی و فصحای عرب آن زمان بوده، لذا این مطلب- با تعبیر نادرست مؤلف که «دانش تجوید، آواشناسی آوایی است که در تلاوت قرآن به کار می‌رود» توافق ندارد. چه ایشان خود، وظیفه آواشناسی را منحصر در توصیف آوای عربی «به طور مطلق» دانسته‌اند و بنابراین باید آثار آواشناختی دانشمندانی چون سیبویه را جزء آثار آواشناختی عربی و نه تجوید قلمداد کرد.

۴. از منابع تجویدی که مؤلف در مقایسه با آواشناسی جدید از آن بهره برده، جدای از درستی یا نادرستی آن، می‌توان چنین استنباط کرد که ایشان تألیفات تجویدی را منحصر در

آثاری می‌داند که از «الکتاب» سیویه آغاز و تا آثار ابن جزری (ت ۸۳۳ هـ) پایان می‌پذیرد. نگارنده این سطور معتقد است برای ارزیابی و مقایسه علمی میان تجوید سنتی و آواشناسی جدید استفاده از آثار تجویدی - چه آنهایی که عنوان تجوید داشته و چه آنهایی که در قالب آثار علمای عربیت و زبان شناس ظهور یافته - ضروری و اجتناب ناپذیر خواهد بود. چه علم تجوید و آواشناسی با مقوله‌ای زبانی سروکار دارد که همواره در حال تغییر و تبدیل و تطوّر است. و لذا تدقیق و بررسی این آثار، (حداقل در هر قرن چندین اثر)، برای تکوین نظریه‌ای صحیح و علمی در این راستا ضروری است.

لذا عدم اطلاع و یا عدم دستیابی و بهره‌مندی مؤلف از تألیفات متعدد تجویدی که در قرون مختلف نگارش یافته‌اند، نقص بزرگی است که در این کتاب به چشم می‌آید.

۵. یکی از مباحثی که در تجوید سنتی بدان پرداخته شده و از اهمیت خاصی برخوردار است بر مبحث احکام حروف است که مقوله‌هایی چون ادغام، اظهار، انقلاب و اخفای حروف در آن جا می‌گیرد.<sup>۵</sup> در آواشناسی جدید، این مقوله‌ها با عناوینی چون همگونی، همگونی خیشومی، هماهنگی واکه‌ای و... در مبحث فرآیندهای آوایی مورد بررسی قرار می‌گیرند.<sup>۶</sup> که مؤلف ارجمند کتاب حتی در حد یک اشاره هم به این مقوله نپرداخته است. به آنها اضافه کنید پدیده «مدّ» (/کشش) حروف که در آواشناسی جدید از آن در مبحث مشخصه‌های زبر زنجیری یاد می‌شود.<sup>۷</sup>

۶. در صفحه هشت کتاب آمده: متأسفانه به سبب عدم ضبط این گویش (=گویش قریش)، هیچ سند زنده‌ای از آن موجود نمی‌باشد و تنها چیزی که باقی است همان توصیفات مربوط به آواهای عربی از قرن دوم به بعد است.

باید گفت، اولاً این که توصیفات آواهای عربی از قرن دوم به بعد مبتنی بر گویش قریش بوده، هیچ بنای علمی ندارد و یا حداقل از دیدگاه زبان شناسان، به عنوان یک نظریه خام، مورد تردید فراوان قرار گرفته و آرا و ادله زیادی در نقد این نظریه ارائه گردیده است.<sup>۸</sup> ثانیاً امیدوارم منظور مؤلف از «ضبط این گویش»، ضبط الکتریکی گویش قریش در حدود چهارده قرن پیش یا بیشتر! نبوده باشد تا مباحث آوایی آن قابل استخراج باشد اما چه کنیم که عبارات بعدی مؤلف، متأسفانه همین مفهوم را افاده می‌کند: تأسف در عدم ضبط الکترونیکی گویش قریش!!!

۷. مؤلف در صفحه ده آورده:

اهمیت کتاب سیبویه از آن جهت است که از زمان ابوالاسود (ت ۶۹ ق) که به دستور حضرت علی (ع) علم نحو را پایه گذاری نمود تا زمان خلیل ابن احمد (ت ۷۵ ق) اثر قابل توجهی در دست نیست.

می گویم: اگر منظور ایشان تألیف یا تألیفات آواشناختی یا تجویدی در این برهه از زمان باشد، باید گفت به جز اثر خلیل هیچ اثری در آواشناسی عربی قبل از کتاب سیبویه در دست نیست و از قدیم ترین کتب قراءات که به دست ما رسیده و برخی از مباحث آوایی در آن آمده کتاب السبعة فی القراءات ابن مجاهد (ت ۳۲۴ هـ) می باشد. که حدود یک قرن و نیم بعد از کتاب سیبویه نگارش یافته است.

۸. کتاب المنح الفکریه، تألیف علی بن سلطان محمد القاری در حقیقت شرح معروف منظومه ابن جزری (ت ۸۳۳ ق) است. مؤلف محترم پس از معرفی این کتاب آورده:

بیشتر آثاری که تاکنون در علم تجوید دیده می شود؛ ریزه خوار و دنباله رو این اثر بوده اند و مطالب جدیدی ارائه نداده اند.<sup>۹</sup>

می گویم: اگر منظور مؤلف از آثاری که پس از المنح الفکریه علی قاری به عنوان تألیف تجویدی به نگارش درآمده اند، بوده باشد چرا در کتاب مؤلف، هیچ اشاره ای به این آثار نشده است. در صورتی نظر ایشان به صواب نزدیک است که آثار مهم تجویدی که به زبان فارسی و بیش از چند دهه از قدمت آنها نمی گذرد، ملحوظ نظر ایشان باشد. زیرا تألیفات تجویدی که به زبان عربی و پس از المنح الفکریه به نگارش درآمده اند و بتوان آنها را داخل در میراث تجوید سنتی دانست آنقدر چشم گیر نیستند. از میان این تألیفات آثار ساجقلی زاده (مرعشی) (ت ۱۱۵۰) و درکزلی موصلی (ت ۱۳۲۷) جایز اهمیت اند؛ و اگر چنانچه مؤلف محترم بر چنین آثار مهمی وقوف یافته بودند، قطعاً در حد یک اشاره بدان ارجاع می دادند.

۹. در صفحه هجده کتاب آمده:

هر چند که ممکن است منهج علمی و پژوهشی وی [=ابن سینا]، با اروپاییان اختلافی هم داشته باشد.

این عبارت در مقام نقد و توضیح نظریه تأثیرپذیری ابن سینا از روش یونانیان در توصیفات آوایی آمده؛ لذا باید به جای واژه اروپاییان - که چند قرن پس از ابن سینا به آواشناسی علمی روی آورده اند - همان «یونانیان» می آمد.

۱۰. در صفحه هفتاد و هشت کتاب چنین آمده:

شایان ذکر است صفات اذلاق و اصمات، ظاهراً از ابتکارات ابن جنی [۳۲۹هـ] است. می‌گویم: حداقل در دو اثر یکی العین (۱/۵۳، ۵۴، ۵۸) تألیف خلیل ابن احمد (ت ۱۷۵هـ) و دیگر در کتاب الصحاح (ماده صتم) اثر جوهری (ت ۳۹۳هـ) از این دو صفت یاد شده است.

۱۱. فصل دوم کتاب که به بررسی اندام‌های صوتی انسان پرداخته بیشتر با توصیفات آواشناسی جدید و اصطلاحات و واژگان امروزی همراه بوده حال آن‌که بهتر بود با توجه به صبغه و روش تطبیقی کتاب، و به مانند دیگر فصول آن، توصیفات علمای جدید و آواشناسان اولیه پیرامون اندام‌های صوتی در مقام تطبیق با آواشناسی جدید ارائه می‌شد.

۱۲. در صفحه ۱۲۵ نام برگستراسر - خاورشناس معروف - به شکل: برجستراسر آمده که باید تصحیح شود.

در پایان ضمن آرزوی توفیق مؤلف ارجمند کتاب در نشر و توسعه علوم و معارف قرآنی از درگاه احدیت؛ به عنوان یک پیشنهاد برای پژوهشگرانی که در صدد ادامه این گونه تحقیقات هستند ضمن توجه به مطالعه این کتاب به عنوان یک الگو و دست مایه، کتاب «الدراسات الصوتية عند علماء التجويد»، اثر دکتر غانم قدوری حمد را به عنوان اثری از این دست، توصیه می‌نمایم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. ر. ک: چکیده پایان‌نامه‌های زبان‌شناسی [سال‌های ۷۲-۱۳۴۵]، کتابخانه ملی ۱۳۷۳؛ سید جلیل ساغروانیان، کتابشناسی مسائل زبان‌شناسی جدید، آینه پژوهش، ش ۵۷.

۲. ستوده‌نیا، همان/۳.

۳. در مورد فصاحت و لهجه‌های زبان عربی ر. ک به: دکتر جواد علی، لهجه قرآن. ترجمه حسین علیقینان، حوزه اصفهان، تابستان ۸۰.

۴. ر. ک: سیبویه، الکتاب، ۲/۴۹۹، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۱۱ و...؛ ۱۶ مقاله تحقیقی به زبان عربی درباره سیبویه، مقاله النظریات الصوتیه فی کتاب سیبویه، دکتر الطیب البکوش، و مقاله الاصوات عند سیبویه، دکتر کمال بشر.

۵. صفر سفیدرو، درآمدی بر علم تجوید، ابن جزری، ترجمه ابوالفضل علامی/۴۳.

۶. دکتر محمد علی الخولی، الاصوات اللغویه/۲۰۴ به بعد، مکتبه الخریجی.

۷. دکتر ساسان سپنتا، آواشناسی فیزیکی زبان فارسی/۹۷ به بعد، نشر گله‌ها، ۱۳۷۷.

۸. ر. ک به: جواد علی، همان.

۹. ستوده‌نیا، همان/۱۷.